



## رصد رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در موضوع فرزندآوری

با توجه به تصویب قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در تاریخ ۱۴۰۰.۸.۱۹ توسط مجلس شورای اسلامی در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی و اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال، آسیه ارحامی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به بررسی وضعیت فرزندآوری و نگرش نسبت به مطلوبیت آن در جامعه پیش از اجرایی شدن این قانون پرداخته است.

الگوی باروری استانی، سال ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران)

این گزارش کمک می‌کند سیاست‌گذاران، مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مردمی، تصویر روشن‌تری از وضعیت موجود و چرایی تلاش در راستای تغییر سیاست‌ها به سوی تشویق و حمایت از فرزندآوری به دست آورند و از سوی دیگر زمینه مناسبی جهت ارزیابی اثربخشی اجرای قانون در بهبود وضعیت، فراهم خواهد آمد.

این گزارش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع علمی و معتبر، سیمای وضعیت فرزندآوری را در کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش وضعیت جمعیتی کشور مورد بررسی قرار داده و تلاش نموده تا تصویری روشن از اینکه مردم در حوزه فرزندآوری چه باوری دارند و چگونه رفتار می‌کنند، ارائه دهد.

در بخش رفتارهای فرزندآوری با مرور شاخص‌هایی چون رشد جمعیت، بُعد خانوار، تعداد مولید، میزان ناخالص مولید، میزان باروری عمومی و زناشویی، الگوی سنی باروری در ایران، فاصله زمان تولد فرزند از زمان ازدواج، مرتبه تولد فرزند، میزان باروری کل به تفکیک مناطق شهری و روستایی، الگوی تحصیلی باروری زنان در ایران، میزان باروری کل به تفکیک زنان شاغل و غیرشاغل، تلاش شده مهم‌ترین مشخصه‌های فرزندآوری جامعه ایرانی مرور شود. با توجه به داده‌های به دست آمده از شاخص‌های مذکور، می‌توان گفت کاهش فرزندآوری در کشور به یک الگوی غالب تبدیل شده و در تمامی استان‌ها، شهرها و روستاها، گروه‌های مختلف اجتماعی و... محرز است، هرچند که شدت و ضعف متفاوتی دارد.

مرور شاخص‌های مذکور نشان از برخی خلأها و نکات قابل تأمل در این حوزه دارد:

یکی از چالش‌های پیش رو در حوزه سنجش رفتارهای باروری در جامعه، تشتت در داده‌های «نرخ باروری کل» است به نحوی که داده‌های مراکز آماری مختلف و حتی داده‌های یک مرکز آماری در گزارش‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. این تشتت و عدم انتشار گزارش تحلیلی توسط مرکز آمار ایران به عنوان نهاد متولی در این راستا جهت تبیین و یکپارچه‌سازی داده‌ها از جمله مسائلی است که قابل تأمل بوده و بایستی مورد توجه قرار گیرد. این موضوع از این حیث حائز اهمیت است که در تبصره بند «ت» ماده (۱) قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مقرر شده نرخ باروری کل کمتر از ۲.۵ فرزند در شهرستان محل تولد فرزند یا زادگاه پدر، ملاک اختصاص

برخی از تسهیلات و مشوق‌های اقتصادی آن قرار گیرد. بر این اساس انتظار می‌رود ضمن رفع تشتت یاد شده، این شاخص به تفکیک شهرستان‌ها نیز توسط مرکز آمار ایران احصا گردد.

تفاوت قابل توجه نرخ باروری کل با نرخ باروری زناشویی نشان می‌دهد افزایش مجرد و به تأخیر انداختن سن ازدواج یکی از عوامل مهم در کاهش باروری در ایران بوده است و در صورت افزایش ازدواج در کشور می‌توان انتظار داشت نرخ باروری نیز افزایش یابد. چراکه در محاسبه میزان باروری کل، تعداد موالید را به کل جمعیت زنان ۱۵-۴۹ ساله چه مجرد و چه متأهل در نظر می‌گیرند و بر این اساس متوسط نرخ باروری برای سال ۱۳۹۹ عدد ۱.۵ به دست می‌آید. اما اگر تعداد موالید را به جمعیت زنان ازدواج کرده ۱۵-۴۹ ساله در نظر بگیریم، میزان باروری زناشویی حاصل شده و نرخ باروری زناشویی ۲.۴ فرزند خواهد بود. بر این اساس افزایش ازدواج در جامعه تأثیر مثبت بر افزایش نرخ باروری کل خواهد داشت. البته توجه به این نکته ضروری است که نرخ باروری نکاحی نیز تنها در ۱۱ استان از ۳۱ استان بیش از ۲.۵ فرزند احصا شده که نشان‌دهنده کم‌فرزندی زوجین بالفعل است.

مقایسه کل ولادت‌های رخ داده در سال ۱۳۹۹ با سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹، ۴۰ درصد ولادت‌ها مرتبه اول (فرزند اول)، ۴۰.۸ درصد ولادت‌ها مرتبه دوم (فرزند دوم)، ۱۴.۲ درصد ولادت‌ها مرتبه سوم (فرزند سوم) و ۴.۳ درصد ولادت‌ها مرتبه چهارم و بیشتر است؛ این در حالی است که در سال ۱۳۹۸، حدود ۴۳.۱ درصد ولادت‌ها مرتبه اول (فرزند اول)، ۴۰.۵ درصد ولادت‌ها مرتبه دوم (فرزند دوم)، ۱۲.۵ درصد ولادت‌ها مرتبه سوم (فرزند سوم) و ۳.۲ درصد ولادت‌ها مرتبه چهارم و بیشتر بوده است. بر این اساس میزان تولد فرزندان سوم، چهارم و بیشتر طی این دو سال رشد داشته است. امری که می‌تواند تا حدودی نشان‌دهنده تغییر رفتارهای باروری به سمت افزایش فرزند تلقی شود، با این حال قضاوت در خصوص این مسئله براساس داده‌های دو سال بسیار دشوار بوده و نیازمند بررسی بیشتر و تحقیقات مستقل در این زمینه است.

رصد تغییرات میانگین سن مادران طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد اگرچه میانگین سن ازدواج در دختران طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ از سوی سازمان ثبت احوال کشور ثابت مانده و ۲۴ سال بیان شده، با این حال بیشترین درصد موالید در سال ۱۳۹۸ در گروه سنی ۲۹-۲۵ و در سال ۱۳۹۹ در گروه سنی ۳۴-۳۰ سال رخ داده است که این تغییر قابل تأمل است. نکته حائز اهمیت آنکه بالا رفتن میانگین سن مادران منجر به کاهش مداوم میزان موالید در خانواده می‌گردد. در شرایطی که افراد در مقایسه با گذشته، دیرتر بچه‌دار می‌شوند و در عین حال فاصله‌گذاری فرزندآوری را نیز رعایت می‌کنند، کاهش فرزندان خانواده به یک یا دو فرزند رخ خواهد داد. بر این اساس سیاست‌گذاری در راستای کاهش میانگین سن فرزندآوری ضمن حفظ سلامت مادر و کودک ضروری به نظر می‌رسد.

فقدان داده‌های ملی در خصوص تفاوت رفتارهای باروری در گروه‌های مختلف شغلی، تحصیلی، وضعیت اقتصادی خانوار، فاصله ازدواج و فرزندآوری با توجه به مرتبه فرزند، تفاوت فاصله تولد بین فرزندان و تحلیل چرایی تفاوت‌های نرخ باروری در مناطق مختلف کشور و گروه‌های مختلف اجتماعی از چالش‌های جدی پیش‌رو در تحلیل رفتارهای باروری است. به عبارت دیگر داده‌های آماری در حوزه تفاوت رفتارهای باروری به کلیات یا امور کلیشه‌ای اکتفا کرده و تمامی ابعاد رفتارهای فرزندآوری گروه‌های مختلف اجتماعی مورد بررسی کارشناسان قرار نگرفته است. به عنوان مثال، در بحث ارتباط بین تحصیلات و فرزندآوری، صرفاً به بررسی وضعیت باروری و تحصیلات زنان و نقش این مسئله بر کاهش فرزندآوری اکتفا شده و مسئله افزایش تحصیلات مردان و ارتباط آن با فرزندآوری نادیده گرفته شده است. علاوه بر این در مطالعات صورت‌گرفته، الگوی باروری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، دانشجویان رشته پزشکی در مقایسه با سایر دانشجویان و... مورد بررسی قرار نگرفته است.

در نهایت با توجه به رفتارهای باروری ایرانیان می‌توان گفت با توجه به در اکثریت بودن خانواده‌های دارای دو فرزند و تک فرزند در کشور، سیاست‌های مشوق فرزندآوری باید به نحوی تنظیم شود که تمامی خانواده‌ها بهره‌مند گردند، اما این مشوق‌ها به صورت پلکانی اعمال گردد. به نحوی که در عین بهره‌مندی تمامی خانواده‌ها از مشوق‌های فرزندآوری نحوه سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که از خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر حمایت بیشتری صورت گیرد.

در بخش سنجش نگرش‌های جامعه به فرزندآوری تلاش شد نتایج پیمایش‌های ملی صورت‌گرفته در این حوزه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جمله این پیمایش‌ها می‌توان به پیمایش «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳» (۱۳۵۳)؛ «پیمایش بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» (۱۳۷۵)؛ «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور» (۱۳۸۳)؛ سه موج «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (۱۳۷۹، ۱۳۸۲، ۱۳۹۴)؛ «بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن» (۱۳۹۴)؛ «وضعیت اجتماعی فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶)؛ «پیمایش ملی ازدواج» (۱۳۹۶)؛ «پیمایش ملی خانواده» (۱۳۹۸)؛ «نظرسنجی ایسپا پیرامون نگرش جامعه به مناسب بودن چند فرزند برای یک خانواده» (۱۴۰۰) اشاره کرد.

با توجه به داده‌های حاصل از نگرش سنجی‌های صورت‌گرفته و تغییرات آنها طی سال‌های اخیر می‌توان گفت:

داشتن فرزند در جامعه ما همچنان یک امر ارزشمند و هنجارین است به نحوی که در تمامی نظرسنجی‌های صورت‌گرفته، فقط ۰.۵ درصد جامعه، مخالف فرزندآوری بوده‌اند. تنها استثنا در این زمینه پیمایش ایسپا در سال ۱۴۰۰ است.

در حال حاضر در مقایسه با دهه ۸۰ در کشور، شاهد تغییر گفتمانی در حوزه فرزندآوری هستیم به نحوی که از غلبه گفتمان دو فرزند کاسته شده و در مقابل مطلوبیت سه فرزند و بیشتر از آن در جامعه به‌لحاظ نگرشی، از پذیرش بالاتری برخوردار شده است.

ذکر دلایلی مانند نگرانی از آینده فرزند یا سخت بودن تربیت فرزند در پیمایش‌های صورت‌گرفته به‌عنوان مهم‌ترین دلایل کم‌فرزندی نشان می‌دهد زوجین جوان بیش از آنکه درگیر نیازهای اولیه کودک در سال‌های ابتدایی عمر او باشند در یک اقدام بازاندیشانه بیشتر بر آینده کودک و تأمین آینده‌ای مطلوب برای او در بازه زمانی طولانی متمرکز هستند که نشان از تغییر نگرش خانواده ایرانی در فرایند فرزندپروری دارد.

مطالعات ملی بسیار کمی به احصا و رصد علل تمایل به کم‌فرزندی یا چالش‌های فرزندآوری در خانواده ایرانی پرداخته‌اند. از طرفی دیگر پژوهش‌های موجود نیز دلایل کلی را احصا کرده و مراد از برخی دلایل به‌دست آمده نیز چندان روشن نیست. بر این اساس فقدان پژوهش‌های ملی در حوزه موانع و چالش‌های پیش‌روی خانواده‌ها در حوزه فرزندآوری به تفکیک گروه‌های مختلف اجتماعی، الگوهای نگرشی در خصوص فرزندآوری و فرزندپروری، گروه‌های مرجع اثرگذار و... در این زمینه از جمله خلأهای پیش رو است. لازمه سیاست‌گذاری مناسب در راستای حمایت و تشویق از فرزندآوری، سنجش رفتارهای باروری در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و همچنین نگرش به این مسئله به‌صورت مشخص و فارغ از کلی‌نگری است.

مقایسه داده‌های این دو بخش (رفتارها و نگرش‌ها) نشان می‌دهد بین رفتارهای فرزندآوری و نگرش جامعه به فرزندآوری شکاف وجود دارد. اگرچه نگاهی به داده‌های جمعیتی نشان از گرایش خانواده‌های ایرانی به محدود کردن فرزندان به حدود دو فرزند دارد، اما به‌لحاظ نگرشی مطلوبیت فرزندآوری در جامعه رو به افزایش است. در توضیح علت این شکاف باید گفت رفتار باروری لزوماً منبعت از نگرش نسبت به مطلوبیت فرزند نبوده و عوامل متعددی بر تصمیم‌گیری زوجین دخیل هستند.

پژوهش‌های متعدد در این زمینه بر تأثیرگذاری وضعیت کلان اقتصادی و همچنین وضعیت اقتصادی خانوار، مبهم بودن وضعیت آینده پیش‌رو، عوامل روانی مانند ترس از زایمان و فرزندآوری، ترس از اختلال در رابطه با همسر با آمدن فرزند جدید، افزایش تمایل به پیشرفت فردی، حساس‌تر شدن خانواده‌ها به فرایند فرزندپروری

تحولات تربیتی، نداشتن حمایت خانواده گسترده، تجربه زیست منفی از خانواده‌های پُرجمعیت، تغییرات اجتماعی چون افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان و دشواری در هماهنگی نقشی برای زنان، رشد فردگرایی، کاهش منافع احساسی داشتن چندین فرزند، افزایش سن از دواج، موضوع ناباروری، افزایش نرخ سزارین، استفاده مکرر از داروهای هورمونی پیشگیری از بارداری، سقط جنین، نهادینه شدن سیاست تحدید موالید از سال ۱۳۷۲ تاکنون و... تأکید ورزیده‌اند. علاوه بر این تغییر نگرش نسبت به موفقیت و پیشرفت و انتظار از زندگی نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای فرزندآوری در کنار مطلوبیت فرزند ذیل این مسئله است. به عبارت دیگر خانواده ایرانی همچنان فرزند را ارزشمند و مطلوب می‌داند، اما در عمل به علت چالش‌های ساختاری یا نهادی و عدم حمایت‌های لازم، فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورد. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در راستای برون‌رفت از چالش‌های مذکور و با تکیه بر نگرش و تمایل خانواده‌های ایرانی بر فرزندآوری تدوین شده و به تصویب رسیده، اما تسهیل فرایند فرزندپرووری ذیل آن کمتر دیده شده است. با توجه به مطالب فوق تدوین قوانینی برای رفع نگرانی خانواده‌ها از آینده فرزندان به‌ویژه مسئله تحصیل و تسهیل فرایند فرزندپرووری ضروری به نظر می‌رسد.

در نهایت و با توجه به یافته‌های مذکور، لزوم رصد جامع و مستمر شاخص‌های آماری حوزه فرزندآوری و توجه به چالش‌های هریک از این شاخص‌ها در تبیین وضعیت موجود، ارزیابی مستمر قانون در حین اجرا، لزوم نظارت و مطالبه‌گری در راستای حذف تشتت داده‌های آماری در شاخص نرخ باروری کل، لزوم سیاستگذاری مناسب در راستای تسهیل ازدواج و کاهش میانگین سن ازدواج جهت افزایش نرخ باروری، لزوم سیاستگذاری مناسب درخصوص کاهش میانگین سن فرزندآوری ضمن حفظ سلامت مادر و کودک، لزوم طراحی و حمایت از پژوهش‌های تخصصی ملی در حوزه جمعیت و فرزندآوری (در دو بُعد رفتاری و نگرشی) عدم سیاستگذاری تک ساحتی و توجه به تمام عوامل مؤثر و گروه‌های اجتماعی جهت ارتقای نرخ باروری، لزوم سنجش و احصای عوامل تأثیرگذار بر شکاف بین رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه فرزندآوری از جمله توصیه‌های سیاستی است که در این گزارش مورد تأکید قرار گرفته است.